

۱ جناب دکتر ظریف! شما پیش‌تر گفته بودید که روابط حسنه‌ای با جو بایدن بویژه زمانی که او سناتور بوده، داشته‌اید، آیا این

مناسبات شخصی شما با رئیس جمهوری آینده امریکامی‌تواند تأثیری در بهبود و تنش‌زدایی در مناسبات داشته باشد؟

در ابتدا ضروری است به این نکته توجه داشته باشیم، روابط میان یک کارگزار جمهوری اسلامی ایران با یک سناتور امریکایی دوستانه نیست و بیشتر می‌توان عنوان روابط کاری را بر آن اطلاق کرد. حتی این روابط را نمی‌توان شخصی و حسنه نیز نامید، بلکه می‌توان آن را به عنوان روابط کاری براساس احترام متقابل ارزیابی کرد... روابط شخصی در سطح مناسبات دو کشور همانند ایران و امریکا چندان تأثیری ندارد.

۲ تاچه اندازه این احتمال وجود دارد طی ماه‌های آینده از روزهای کاری دولت دوازدهم، دولت بایدن به برجام برگردد؟

اصولاً سیاست خارجی را جناحی نمی‌بینم؛ یعنی سیاست خارجی باید بر قاعده فراجناحی طرح‌ریزی شود. قابل توجه این است که مذاکرات ایران با امریکا در دولت دهم با اجازه مقام معظم رهبری آغاز شد. حضرت آقا بارها فرموده‌اند که گفت‌وگوها در دولت دهم با اجازه ایشان شروع شد. همان کسانی که در دولت یازدهم و دوازدهم مخالف مذاکره بودند، در دولت دهم هم مخالفت می‌کردند. دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی در آن دوران مخالف بود و بعداً نیز مخالف بود.

۳ آیا در صورت نامزد شدنتان برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ این مسأله نمی‌تواند به حل مضاعف مشکلات بین دو کشور کمک کند؟

من بارها گفته‌ام نه چنین قصدی دارم و نه برای خودم چنین موقعیتی قائل بوده‌ام.

۴ آیا به حضور در سمت وزیر امور خارجه در دولت آتی، در صورت دعوت ادامه خواهید داد؟

با وجود تمامی دشواری‌های این آمادگی را دارم که وزیر امور خارجه دولت بعدی باشم. اما اعتقاد دارم وزیر امور خارجه باید با اجماع ملی کار کند. با این شرایط متأسفانه، حتی نمی‌توانم یک کلمه حرف هم بزنم.

۵ حتی اگر دولتی شبیه به آقایان رئیسی و قالیباف به قدرت برسند و از شما بخواهند وزیر خارجه باقی بمانید، چنین مسئولیتی را می‌پذیرید؟

من برای آقایان قالیباف و رئیسی احترام فراوانی قائلم... اما بالاخره برای اینکه با یک دولتی کار نکنید، باید ببینید در آن



وزیر امور خارجه مواضع شماری از اصولگرایان و حامیان سیاست‌های دوره احمدی‌نژاد را به چالش کشید

ظریف پایان سکوت

سکوت محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه کشور در مقابل توهین‌کنندگان به او شکست. هرچند وزیر امور خارجه کشور در ۷ سال گذشته از نام بردن یک جریان سیاسی به عنوان مخالف خود امتناع می‌کرد اما در گفت‌وگوی صریحی، مواضع شماری از اصولگرایان و مدافعان سیاست‌های دوره محمود احمدی‌نژاد را به چالش کشید. بخشی از پاسخ‌های ظریف به سؤال‌های «انتخاب» در این باره را می‌خوانید.

لذا فراموش نکنید که روسیه و چین به ۶ قطعنامه شورای امنیت علیه ایران، از جمله قطعنامه ۱۹۲۹ رأی مثبت دادند. اما در مقطع کنونی، همین روسیه قطعنامه‌ای در ارتباط با یمن را که اسم ایران در آن به صورت حاشیه‌ای مطرح شده بود وتو کرد و چین رأی ممتنع داد. در قطعنامه اخیری که امریکا در ارتباط با تمديد تحریم تسلیحاتی ایران ارائه کرد، با وجود عدم نیاز به دو رأی روسیه و چین، هر دو رأی منفی دادند. یعنی یک قطعنامه ۱۱ رأی ممتنع داشت و قطعنامه‌ای که این طور رأی ممتنع بیاورد، یعنی رد شده است. اما روسیه و چین خواستند رأی منفی دهند و آن دو هم می‌توانستند ممتنع دهند. برای اولین بار در تاریخ شورای حکام آژانس، روسیه و چین به قطعنامه اتحادیه اروپا علیه ایران رأی منفی دادند. کدام دولت توانست این را به دست بیاورد؟ به تاریخ نگاه کنید، اولین باری که چین پذیرفت روابطش با ایران روابط راهبردی باشد، با دولت دکتر روحانی و طی سفر آقای شی جین‌پینگ به ایران بود. این تبلیغات و دروغ‌هایی که دوستان می‌گویند مثل اینکه ظریف برجام را نخوانده یا قرارداد ۲۵ ساله را نخوانده، گوش نکنید. در دولت نهم و دهم، حتی اسم «راهبردی» در روابطمان نبود. در دولت یازدهم به این تفاهم با چین رسیدیم که نه تنها روابط راهبردی باشد، بلکه به مشارکت جامع راهبردی یعنی مرحله سوم راهبردی چین برسیم. ما در دوره آقای احمدی‌نژاد، حتی در مرحله اول راهبردی با چین نبودیم، همچنین در ادوار قبل. در مورد روسیه نیز چنین است. بعضی دوستان می‌روند و به امریکا «گرا» می‌دهند که ما بهتر می‌توانید کار کنید. ما که سکوت می‌کنیم، دلیل نمی‌شود که متوجه این گراها نیستیم. من کسی را متهم نمی‌کنم، ولی می‌دانم و خبرش را بهم می‌دهند که گفته‌اند این‌ها در قدرت نمی‌مانند و قدرت اینها چند روزه است. اینجاست که فکر می‌کنم سیاست خارجی نیاز به این دارد که منسجم باشد، اینجاست که فکر می‌کنم ما با خارجی‌ها که طرفیم، یک نفر واحد باید تلقی شویم. شخصاً وقتی به خارج از کشور می‌روم، همان اندازه که از همکارانم دفاع می‌کنم، از کسانی که علیه من حتی اتهام می‌زنند نیز دفاع می‌کنم.

از دیدگاه شما انگیزه این افراد چیست؟

ان شاءالله که برای خدا این کارها را انجام بدهند! متأسفانه ابزار تبلیغ و حاشیه امن در اختیار دوستان است. طرف می‌تواند به آسانی مدعی شود که ظریف برجام را نخوانده و به یک کلمه در برجام استناد کند که آقای عراقچی

چندین بار در موردش توضیح داده و هیچ اتفاقی هم برایشان نمی‌افتد. طرف می‌تواند بگوید که ظریف جاسوس است و در مدرسه جاسوسی تربیت شده است اما هیچ اتفاقی برای او نیفتد. می‌گویند ظریف از اول جاسوس بوده، می‌گویند پدر بزرگ من که مسجد اعظم قم و مسجد هامبورگ با هزینه ایشان ساخته شده، عامل بهایی‌ها بوده و این روزها هم که می‌نویسند عامل گلوبالیست‌ها بوده. این چیزها را در رابطه با پدر بزرگ من که بنده خدا هفت کفن پوسانده، می‌گویند. البته آنقدر هم باقیات صالحات دارد که خداوند از ایشان قبول کند. در مورد پدرم نیز با استفاده از اسم غلط در مورد ایشان می‌گویند ساواکی بوده و هیچ اتفاقی هم برایشان نمی‌افتد. شما بروید نگاه کنید؛ گفته‌اند پدر فلانی، حاج محمدعلی کازرونی بوده پدر من اما اسمش مشخص است حاج عباسعلی ظریف خوانساری و به گاو صندوق علما معروف بوده و هر کس نیاز مالی داشته، به ایشان رجوع می‌کرده؛ آن وقت می‌گویند پدر فلانی ساواکی است و پدر بزرگش عامل بهایی است. هیچ اتفاقی هم برایشان نمی‌افتد. در این یک هفته‌ای که نگران حضور من در انتخابات شده‌اند، عکس پدر بزرگ من به وفور در توییتر پیدا می‌شود.

۹ سردار سلیمانی نظر مشخصی در مورد برجام نداشت؟

نمی‌دانم. اگر ایشان جایی راجع به برجام صحبت کرد، نمی‌دانم. ولی پیش من صحبت نکرد. پیش من، همیشه از اینکه من دارم زحمت می‌کشم و خون دل می‌خورم، همدلی، همدردی و رفاقت می‌کرد... حاج قاسم برای من خیلی عزیز بود. یک دوست عزیز بود. قرارم این نیست که از حاج قاسم استفاده کنم که دیدگاه خودم را پیش ببرم. بله، من و حاج قاسم رفیق بودیم و اختلاف نظرهایی در برخی موارد داشتیم. اما برجام موضوعی نبود که با ایشان در موردش بحث کنیم که ببینیم اختلاف نظر داریم یا نه. ممکن است در مورد سوریه، ایشان یک دیدگاه داشت و من یک دیدگاه، در مورد یمن هم همینطور؛ با هم بحث می‌کردیم و به نتیجه می‌رسیدیم. در مورد برجام اما ایشان دخالتی نداشت که با یکدیگر بحث بکنیم.

۱۰ یعنی در حوزه‌های دیگر مثل یمن و سوریه، به نظر واحد می‌رسیدید؟

به نظر واحد می‌رسیدیم و اجرا می‌کردیم. اگر هم به نظر واحد نمی‌رسیدیم، به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و خود شورای عالی و محضر آقا گزارش می‌دادیم. هر چه تصمیم می‌گرفتند، اجرا می‌کردیم. قرارمان این بود تا جایی که می‌توانیم مزاحم نشویم، شاید دویا سه مورد شد که مجبور شدیم گزارش بدهیم که در این زمینه به نتیجه نرسیده‌ایم.